

۱۴۱۷

اصول فقه

مباحث الفاظ و قواعد تفسیر متن

رحیم نوبهار

دانشیار و شکاره حقوق - دانشگاه شهید بهشتی



سرشناسه : نوبهار، رحیم، ۱۳۴۰ -

عنوان و نام‌پدیدآور : اصول فقه: مباحث الفاظ و قواعد تفسیر متن / رحیم

نوبهار

مشخصات نشر : تهران: میزان، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری : ۲۷۲ ص.

فروست : نشر میزان؛ ۹۸۱. علوم اجتماعی.

شابک : 978-964-511-780-9

وضعیت فهرست‌نویسی : فیا

یادداشت : کتابنامه: ص. ۲۵۱ - ۲۵۹

یادداشت : نمایه

موضوع : اصول فقه

Islamic law--Interpretation and construction : موضوع

مباحث الفاظ : موضوع

Semantics (Islamic law) : موضوع

رده‌بندی : خرده ۶ الف ۹ ن / ۱۵۵ BP

رده‌بندی دیوید : ۲۹۷.۳۱

شماره کتابشناسی ملی : ۳۵۰۳۵۰۰۰

۹۸۱

نشر میزان

اصول فقه:

مباحث الفاظ و قواعد تفسیر متن

دکتر رحیم نوبهار

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۵

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

شماره: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۱-۷۸۰-۹

دفتر مرکزی: خ شهید بهشتی، بعد از چهارراه سهروردی، خ کاوسی‌فر، کوچه نکسا، پلاک ۳۲، تلفن ۸۸۵۴۹۱۳۱

فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، ابتدای خ فخرآزی، پلاک ۸۳، تلفن ۶۶۴۶۷۷۷۰

واحد پخش و فروش: خیابان سمیه، بین مفتح و فرصت، پلاک ۱۰۴، تلفن ۸۸۳۳۹۵۲۹-۳۱

پست الکترونیکی: mizannasher@yahoo.com وب سایت: www.mizan-law.ir

فهرست مطالب

درآمد	۱۳
-------	----

فصل اول: کلیات و مباحث مقدماتی

۱. ویژگی‌های رویکرد تفسیر متن از دیدگاه دانشمندان مسلمان	۲۵
۱.۱. عینیت‌گرایی	۲۵
۱.۲. قصدگرایی	۲۶
۱.۳. در میانه متن‌گرایی و زمینه‌گرایی	۲۷
۱.۴. از متن‌گرایی تا مقصدگرایی	۳۰
۲. چالش‌های رویکرد تفسیری غالب در اصول فقه	۳۵
۲.۱. چالش‌های ناظر به عینیت‌گرایی، قصدگرایی و متن‌گرایی	۳۵
۲.۲. چالش‌های مربوط به نظریه معنا	۴۰

فصل دوم: مباحث وضع

۱. معنای وضع	۴۷
۲. حقیقت وضع	۴۷
۳. واضع الفاظ	۵۱
۴. انواع وضع	۵۲
۴.۱. وضع تعینی و وضع تعینی	۵۲

۴. ۲. وضع شخصی و وضع نوعی ۵۳
۴. ۳. وضع کلمات برای معانی مستقل و غیرمستقل ۵۳
۵. مترادف و اشتراک ۵۴
۶. پدیده نقل الفاظ ۵۵
۷. استعمال لفظ در بیش از یک معنا ۵۷

فصل سوم: حقیقت و مجاز

۱. استعمال حقیقی ۶۱
۲. گونه های استعمال حقیقی ۶۱
۲. ۱. حقیقت معنوی ۶۱
۲. ۲. حقیقت شرعی (قانونی) ۶۲
۲. ۳. حقیقت اهل شرع یا اهل قانون ۶۵
۲. ۴. حکم شک در حقیقت شرعی (قانونی) و حقیقت اهل شرع یا اهل قانون ۶۷
۳. استعمال مجازی ۶۹
۳. ۱. ویژگی های استعمال مجازی ۶۹
۳. ۲. نشانه های شناسایی حقیقت و مجاز ۷۲
۳. ۲. ۱. تبادر ۷۳
۳. ۲. ۲. صحت حمل و صحت سلب ۷۵
۳. ۲. ۳. اطراد و عدم اطراد ۷۶
۳. ۲. ۴. نقش قول لغت شناس در تشخیص معنای حقیقی از مجازی ۷۷
۴. کاربردهای حقیقی و مجازی واژه مشتق ۸۰
۵. کاربرد الفاظ عبادات و معاملات در معنای صحیح و اعم ۸۳

فصل چهارم: دلالت و گونه های آن

۱. تعریف دلالت و مراتب آن ۸۷
۲. گونه های دلالت ۸۸

فصل پنجم: اصول لفظی

۱. اصل حقیقت ۹۱
۲. اصل عموم ۹۲
۳. اصل اطلاق ۹۲
۴. اصل عدم تقدیر ۹۲
۵. اصل ظهور ۹۳
۶. اصل جدیت ۹۵

فصل ششم: مباحث امر

۱. دلالت امر بر وجوب ۹۷
۲. امر پس از منع و توهیم منع ۱۰۰
۳. مباشرت در امثال ۱۰۲
۴. امر و فور و تراخی ۱۰۳
۵. امر و یکبارگی و چندبارگی ۱۰۴
۶. امر پس از امر ۱۰۵
۷. امر به امر ۱۰۵
۸. امر و اجزا ۱۰۶
۹. امر و دلالت بر نهی از ضد عام و خاص ۱۰۷

فصل هفتم: انواع وجوب

۱. واجب توصلی و تعبدی ۱۰۹
۲. واجب عینی و کفایی ۱۱۱
۳. واجب نفسی و غیره ۱۱۲
۴. واجب اصلی و تبعی (ضمنی) ۱۱۳
۵. واجب تخییری و تعیینی ۱۱۳
۶. واجب موسع و مضیق ۱۱۴
۷. واجب مشروط و مطلق ۱۱۶

۸. واجب معلق و منجز ۱۲۰

فصل هشتم: مباحث نهی

۱. معنا و مدلول نهی ۱۲۵

۲. نهی و دلالت بر فساد ۱۲۷

فصل نهم: مفهوم و گونه‌های آن

۱. تعریف مفهوم و تفاوت آن با منطق ۱۳۱

۲. گونه‌های مفهوم ۱۳۵

۱. ۲. مفهوم شرط ۱۳۵

۱. ۲. مفهوم شرط در موارد وحدت شرط و جزا ۱۳۶

۱. ۲. ۲. ۱. ۲. معنا: بر ملاک شرطی در فرض تعدد شرط و وحدت جزا ۱۳۷

۲. ۲. مفهوم غایت ۱۴۱

۲. ۳. مفهوم حصر ۱۴۳

۲. ۴. مفهوم وصف ۱۴۴

۲. ۵. مفهوم عدد ۱۵۰

۲. ۶. مفهوم لقب ۱۵۱

۳. تنوع گونه‌های دلالت مفهومی ۱۵۲

۳. ۱. دلالت اقتضا ۱۵۳

۳. ۲. دلالت تنبیه یا ایما ۱۵۴

۳. ۳. دلالت اشاره ۱۵۴

۴. دامنه اعتبار دلالت مفهوم ۱۵۵

فصل دهم: عام و خاص

۱. تعریف عام و خاص و انواع عام ۱۵۷

۲. تخصیص ۱۵۸

۳. تفاوت تخصیص با تخصص، حکومت و ورود ۱۶۱

۱۶۳.....	۴. انواع مخصص
۱۶۵.....	۵. استعمال عام در معنای خاص و شک در تخصیص زاید
۱۶۶.....	۶. لزوم جستجو از مخصص پیش از عمل به عام
۱۶۷.....	۷. تأثیر اجمال مخصص بر ظهور عام
۱۶۹.....	۷. ۱. در شبهه مفهومی
۱۶۹.....	۷. ۱. ۱. در مورد مخصص متصل
۱۶۹.....	۷. ۱. ۲. در مورد مخصص منفصل
۱۷۰.....	۷. ۲. در شبهه مصداقی
۱۷۱.....	۷. ۲. ۱. در مورد مخصص لفظی
۱۷۲.....	۷. ۲. ۲. در مورد مخصص کلی
۱۷۳.....	۸. ذکر ضمیر خاص پس از عام
۱۷۴.....	۹. ذکر استثنا پس از چند عام

فصل یازدهم: نسخ و منسوخ

۱۷۷.....	۱. تعریف نسخ و تفاوت آن با تخصیص
۱۷۸.....	۲. نسخ در قانون و شرع
۱۸۱.....	۳. تقدم تخصیص بر نسخ در فرض شک
۱۸۶.....	۴. نسخ وجوب

فصل دوازدهم: مطلق و مقید

۱۸۹.....	۱. تعریف مطلق و مقید
۱۹۱.....	۲. معنای اطلاق و اعتبارات گوناگون ماهیت
۱۹۳.....	۳. احراز اطلاق با تکیه بر مقدمات سه گانه حکمت
۱۹۶.....	۴. نبود قدر متیقن در مقام مخاطب به مثابه یکی دیگر از مقدمات حکمت
۱۹۸.....	۵. حکم شک در وجود مقدمات حکمت
۲۰۱.....	۶. شرایط حمل دلیل مطلق بر مقید

فصل سیزدهم: مجمل و مبین

۱. تعریف مجمل و مبین ۲۰۳
۲. گونه‌های ابهام ۲۰۴

فصل چهاردهم: اصول و قواعد کلی تفسیر متن

۱. قاعده تقدیم جمع دلایل متعارض بر کنار گذاشتن آن‌ها ۲۰۷
۲. قاعده تقدیم تأویل بر طرح ۲۰۹
۳. قاعده تقدیم دلیل حاکم بر محکوم ۲۱۰
۴. قاعده تقدیم دلیل وارد بر مورد ۲۱۱
۵. قاعده تقدیم دلیل مشتمل بر تنزیل ۲۱۱
۶. قاعده تقدیم نص ظاهر ۲۱۲
۷. قاعده تقدیم ظاهر بر ظاهر ۲۱۳
۸. تقدیم دلالت منطوق بر دلالت مفهوم ۲۱۵
۹. قاعده لزوم عمل به علت حکم ۲۱۶
۱۰. قاعده لزوم جستجو از قرینه پیش از استناد به اصول لفظی ۲۱۸
۱۱. تقدیم معنای حقیقی بر معنای مجازی ۲۱۹
۱۲. قاعده تقدیم تأسیس بر تأکید ۲۱۹
۱۳. قاعده تقدیم مجاز رایج بر مجاز غیر رایج ۲۲۱
۱۴. قاعده لزوم تفسیر متن بر پایه عدم خروج مورد ۲۲۱
۱۵. قاعده عدم دلالت تقدم در ذکر بر تقدم در رتبه ۲۲۳
۱۶. قاعده کشف اراده عموم از ترک تفصیل ۲۲۴
۱۷. مقتضای قاعده در فرض شک در تخصیص و تخصص ۲۲۴
۱۸. قاعده ممنوعیت قیاس در لغت ۲۲۵

فصل پانزدهم: قواعد کلی حل تعارض متن

۱. قاعده تقدیم ترجیح دلالتی بر دیگر ترجیحات ۲۲۸
۲. قاعده تقدیم عام ضعیف بر عام قوی برای تخصیص ۲۲۹

۳.	قاعده تقدیم تخصیص مقبول بر تخصیص نامقبول.....	۲۳۰
۴.	قاعده تقدیم نقل به لفظ بر نقل به مضمون.....	۲۳۱
۵.	قاعده تقدیم عام بر مطلق در فرض تعارض.....	۲۳۱
۶.	قاعده تقدیم تخصیص در فرض تعارض عام با ظاهر.....	۲۳۳
۷.	قاعده تقدیم مفهوم غایت بر شرط.....	۲۳۵
۸.	قاعده تقدیم ظهور مفهوم شرط بر مفهوم وصف.....	۲۳۵
۹.	قاعده تقدیم ظهور کلام در استمرار بر دیگر ظهورها.....	۲۳۶
۱۰.	قاعده قوط دو یا چند تخصیص متعارض.....	۲۳۷
۱۱.	قاعده قوط قول لغت شناس در فرض تعارض.....	۲۳۷
۱۲.	حکم تعارض صریح با ایرفصیح و الفصح با غیرافصح.....	۲۳۸
۱۳.	قاعده سقوط دلیل متعارض و دارای دلالت مساوی.....	۲۳۹
۱۴.	حکم حل تعارض بیان بیش از در دلیل متعارض با تکیه بر انقلاب نسبت.....	۲۴۲
.....		
۲۴۸.	فهرست منابع.....	
۲۵۸.	فهرست آیات.....	
۲۶۱.	نمایه احادیث.....	
۲۶۲.	نمایه موضوعات.....	
۲۶۶.	نمایه نام کسان.....	

درآمد

در دانشکده‌های حقوق در کشورهای دیگر معادل درس اصول‌فقه که در دانشکده‌های حقوق کشور ما تدریس می‌شود، گاه درسی ارائه می‌شود با عنوان «استدلال حقوقی»¹. هدف از این درس تقویت شمه حقوقی و استدلال است و محتوای آن، آمیزه‌ای است از منطق حقوق و استدلال‌های حقوقی. در این درس بویژه به راه‌های مختلف استدلال در قالب نیاس، استقرا و تمثیل توجه می‌شود. این درس بسیار عملی و مورد - محور² است. دانش‌جویان در عمل با پرونده‌هایی مواجه می‌شوند و آن‌ها را از نزدیک از چشم‌انداز ادله، استدلال، مطالعه می‌کنند؛ اما تأکید این درس بر استدلال حقوقی است و کارآموزی قضایی یا وکالت نیست. بخش عمده‌ای از محتوای این درس بویژه در سنت حقوقی کامن‌لا به نهادهای حقوقی مربوط می‌گردد و چگونگی تفسیر مقررات و حتی اصول تفسیر قانون اساسی می‌پردازد.

رسالت درس اصول‌فقه در دانشکده‌های حقوق کشور ما پرورش توان استدلال حقوقی دانشجویان است. از این رو دشوار است کسی را که اصول و مبانی این درس آشنا نباشد حقوق‌دان و اهل استدلال دانست. دست‌کم در کشور ما که زبان و ادبیات حقوقی و آثار حقوق‌دانان با مفاهیم این دانش آمیخته است، این مطلب صادق می‌آید.

علی‌القاعده این درس در دانشکده‌های حقوق باید با صبغه استدلال حقوقی مطرح شود. طرح مباحثی که تنها به فقه و فقهات مربوط می‌شود گرچه مهم‌اند و گاه حتی برای حقوق‌دان هم بسیار سودمندند، ضرورت ندارد. مباحثی از اصول‌فقه رایج از این قبیل است؛ مثلاً بحث در باره این‌که آیا مقدمه واجب، واجب است یا نه؛ در اصول‌فقه و محیط فقه بااهمیت است. در واقع، چون به وجوب شرعی از جنبه‌های گوناگون

1. Legal reasoning

2. Case-Based

3. C.f. Levi, Edward, "An Introduction to Legal Reasoning", University of Chicago Law review, No. 15, 1948, pp. 501-574.

اهمیت داده می‌شود، به دنبال وجوب عقلی مقدمه این پرسش مطرح می‌شود که آیا مقدمه واجب افزون بر وجوب عقلی، وجوب شرعی هم دارد؟ از جمله نتایج این بحث آن است که اگر کسی واجب را ترک کند، ممکن است دو واجب را ترک کرده باشد. همچنین یکی از مباحث مهم در اصول فقه این است که شارع (قانون‌گذار) کیست؟ این مبحث در فقه و اصول فقه بسیار تعیین‌کننده است. تعیین موقعیت تشریعات نبوی (ص) و امامان (ع) نسبت به احکامی که در قرآن مجید بیان شده، بسیار مهم است. اگر خداوند متعال به طور مطلق فرموده است که: «هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید.»^۱ پیامبر (ص) و امامان (ع) برابر روایات موجود با استناد به کدام صلاحیت این کیفر را تنها مربوط به زانی غیرمحض دانسته و حکم زانی محض را رجم مقرر نموده‌اند.^۲ آیا پیامبر (ص) هم شارع است؟ این بحث در اصول فقه که مبنای استنباط احکام شرعی است بسیار مهم است. و این در محیط قانون این بحث مطرح نیست. در محیط قانون کسی که صلاحیت وضع قانون را دارد مشخص و شناخته شده است. بلی در قلمرو حقوق این بحث مطرح است که طبق آیین‌نامه در مقایسه با قانون دارای چه جایگاهی است؟ نیز این که قوه قانون‌گذاری ابلی تواند اختیار خود را تفویض کند؛ یا مثلاً در کشور ما آیا مجمع تشخیص مصلحت‌ها حق قانون‌گذاری دارد؟ نسبت مصوبات این مجمع با قانون اساسی و دیگر اسنادی که از آن به اسناد بالادستی تعبیر می‌شود، چیست؟

برخی از سرفصل‌های مصوب درس اصول فقه برای دانش‌آموزان حقوق به کلی رابطه کمتر معناداری با فلسفه تدریس آن در دانشکده‌های حقوق دارد. برای نمونه مباحث اجتهاد و تقلید که اکنون بخشی از سرفصل‌های مصوب درس اصول فقه دانشکده‌های حقوق است، با همه اهمیتی که در اصول فقه در زمینه تعیین احکام ناظر به مفتی و پیرو دارد کمتر کاربردی برای دانشجوی رشته حقوق دارد. به همین ترتیب مباحث اجماع و انواع آن با همه اهمیتی که در فقه دارند در حقوق تنها در حد اعتبار دکرین، با اهمیت است. در مبحث مهم تعادل و ترجیح مباحث مهمی وجود دارد که فراگرفتن آن‌ها برای دانشجویان رشته حقوق کاملاً ضروری است. ژرف‌اندیشی‌ها و

۱. الزانية والزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائة جلدة. (نور (۲۴): ۲).

۲. نک: حرعاملی، محمد، وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۳۴۶، باب ۱ از ابواب حد الزنا، اسلامیة، تهران، ۱۴۰۱ ق.

باریک‌بینی‌های عالمان علم اصول طی سالیان دراز خرمین‌پرایی را برای دانشجویان و استادان علم حقوق گردآورده است؛ اما در همین باب هم مباحثی وجود دارد که برای پژوهشگر فقه سودمند است نه دانشجوی حقوق یا حتی حقوقدان. برای نمونه ترجیح یکی از دو روایت متعارض با استناد به افقه بودن روای، یا ترجیح یک روایت بر دیگری با استناد به مخالفت مضمون آن با آرای فقهای اهل سنت و پاره‌ای دیگر از مرجحات تنها در قلمرو تعارض دو نص دینی قابل تصور است نه در تعارض دو گزاره قانونی. بدین‌سان به لحاظ موضوعات نمی‌توان درس اصول فقه را برای دانشجویان رشته حقوق دقیقاً همان گونه که در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شود ارائه نمود.

جدا از بحث مربوط به موضوعات، تدریس و تحقیق در باره اصول فقه، مبتنی بر بنیادهایی است که برخی از آنها را نمی‌توان دقیقاً در استنباط‌های حقوقی به کار بست. تعمیم کامل مبانی را اصول است. دست‌کم بخشی از آن‌ها برای استنباط از گزاره‌های ناظر به رابطه میان انسان و خداوند تنظیم شده‌اند به نظامی از قواعد بشری که برای تنظیم زندگی اجتماعی پیش‌بینی شده است، در رهن است. توجه به این‌که غایات و مقاصد نهایی فقه چیست و غایات نظام حقوق چیست گاه بسیار تعیین‌کننده است. استناد اصول فقه در دانشکده حقوق در موارد زیادی باید بنیادهای دیگری را تأسیس و پیگیری کند؛ بنیادهایی که البته ممکن است بخشی از دست‌یافته‌های آن در اصول فقه رایج هم موجود باشد.

نکته مهم دیگر به تفاوت پیش‌فرض‌ها در نظام تشریع الهی در قانون‌گذاری بشری باز می‌گردد. باید به یاد داشته باشیم که شارع و قانون‌گذار نظام فقهی، خداوند متعال، یا خداوند همراه با پیامبر (ص) یا برابر آموزه‌های شیعی، این سر در ذات مقدس به اضافه امامان معصوم (ع) هستند. در نظام حقوقی اما قانون‌گذار، بسری معمولی و عادی است که سمّت قانون‌گذاری را از خود شهروندان دریافت کرده است. این تفاوت بنیادین میان دو نظام قانون‌گذاری پیامدهای روش‌شناختی فراوانی دارد که اغلب مورد توجه قرار نگرفته است. البته ارتباط مباحث اصول فقه با اصول و موازین حقوقی از این پیش‌فرض سرچشمه می‌گیرد که خطاب‌های شرعی نیز خواه از خداوند متعالی صادر شده باشد یا از پیامبر (ص) یا امامان (ع) و خواه به نحو شفاهی گزارش شده باشد یا مکتوب، همانند خطاب‌های لغوی و عرفی هستند و زبان شارع در هر حال زبانی اگر

چه وحیانی اما بشری و انسانی است.^۱ با این حال تنها با تکیه بر این که شارع مقدس هم به زبان عرف و عقلاً قانون‌گذاری نموده است، نمی‌توان اصول تفسیر در نظام فقهی و حقوقی را کاملاً یکسان انگاشت. شارع در شریعت، دانای کامل و حکیم خردمند است و از او خطا، غفلت و تناقض‌گویی سر نمی‌زند؛ اما دانش قانون‌گذار بشری محدود است و ممکن است دچار اشتباه و حتی تناقض‌گویی شود. پس همه اصول و قواعد تفسیر متن مقدس را نمی‌توان به تفسیر متنی که محصول تلاش انسان یا انسان‌های عادی است تعمیم داد.

از چشم‌انداز مبانی تفسیری هم در اصول فقه رایج اغلب از یک نظریه تفسیری بحث می‌شود و رویکردهای گوناگون مورد بحث قرار نمی‌گیرد.^۲ این در حالی است که هم برای صلاح حوزه‌های علمی و هم برای دانشجویان حقوق ضروری است تا در کنار بهره‌گیری از استانداردها و تأملات دانشمندان علم اصول به نظریه‌های تفسیری جدید هم پرداخته شود؛ به ویژه آنکه دانشجوی حقوق در بسیاری موارد با تفسیر و فهم متن‌های کاملاً بشری سر و کار دارد. بدین‌سان لزوم پرداختن به دیگر نظریات معنایی و تفسیری از یک سو و تنقیح تفاوت‌ها و همانندی‌های مباحث در دو نظام فقهی و حقوقی از سوی دیگر در کنار استخراج «نقائل» و نمونه‌هایی که یک حقوق‌دان در مقام تفسیر با آن روبرو می‌شود، تلاش مضاعفی را برای تدوین متون شایسته تدریس در دانشکده‌های حقوق می‌طلبد.

کارویژه‌های اصول فقه به مثابه ابزار اجتهاد و استنباط از منابع شرعی هم گاه خصوصیتی را به این دستگاه فکری می‌دهد که نمی‌توان آن‌ها را دقیقاً در استنباط حقوقی به کار بست. برای نمونه در اصول فقه این پیش‌فرض که شهادت از احکام دینی رمزآلودند و عقل بشر یارای درک و تجزیه و تحلیل آن‌ها را ندارد، بکار بسته شده است تا مباحث «حجت» ساختار خاصی به خود بگیرد و قیاس بویژه در اصول فقه شیعی از مدار حجیت و اعتبار خارج شود. راز نکوهش قیاس - آن گونه که در برخی روایات آمده - این است که دین خداوند با عقل بشری قابل درک نیست. حال آیا در یک نظام حقوقی عادی هم احکام رازمندی وجود دارد که عقل را بدان راهی نباشد و حقوق‌دان

۱. برای ملاحظه توضیحاتی در باره زبان بشری قرآن و سنت نک: کاشف الغطاء، جعفر، کشف الغطاء، ج ۱، ص ۱۸۴، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.

۲. به زودی در فصل اول کتاب در این باره سخن خواهیم گفت.

یکسره از کاربست قیاس در آن‌ها ممنوع باشد؟ به چه دلیل نمی‌توان در متن قوانین و مقررات عادی و بشری گونه‌هایی از قیاس را پذیرفت؟

در مجموع، در تدریس اصول‌فقه در دانشکده حقوق باید به مواد و محتوای درس‌هایی که با عناوینی همچون «نظریه حقوقی» یا «نظریه عمومی حقوق» یا «استدلال حقوقی» یا «روش‌های حقوقی» در دانشکده‌های حقوق جهان با گرایش‌های گوناگون تدریس می‌شود اشراف داشت. طرح مباحث به گزینشی دقیق و عالمانه نیاز دارد تا دانشجویان حقوق از یک سو از خرمن پربار اندیشه‌های اصولی که عالمان این رشته سال‌ها با دقت گرد آورده‌اند بهره‌مند گردند و از سویی دیگر با تفاوت پیش‌فرض‌ها، مبانی و روش‌ها در اجتهاد در احکام شریعت و نظام حقوقی هم آشنا شوند. این امر کمک می‌کند تا دانشجویان به اختصار در جریان تحولات نظری این حوزه‌ها قرار گیرند و در نهایت انزال استدلال و استنباط و شمع حقوقی آنان تقویت شود.

من شخصاً می‌گویم تا در زمینه‌هایی که آثار قلمی کافی وجود دارد دست به قلم نبرم. با این حال به رغم وجود نوشته‌های سودمند و فراوان در باره اصول‌فقه یا اصول استنباط به علت اهمیت نکات پیرامون گفته‌ها در عین حال مورد توجه قرار نگرفته است به چاپ این مجموعه که محصول بیش از ده تجربه تدریس در حوزه و دانشگاه است اقدام نمودم. در این اثر کوشیده‌ام تا به دغدغه‌هایی که اشاره شد دامن بزنم و نظر استادان، دانشجویان و پژوهشگران حقوقی را به تناسیب جلب نمایم. بویژه در جای جای مباحث تلاش شده است به تفاوت‌های احتمالی اصول استنباط حقوقی در یک نظام عرفی و بشری با اصول استنباط در نظام شرعی و فقهی اشاره کنم. رویکردی که عدم توجه به آن تا کنون یکی بودن اندیشه اصول‌فقه در نظام فقهی و اصول استنباط حقوقی در یک نظام عادی و بشری را القا کرده و البته اعتراض برخی استادان حقوق را هم برانگیخته است.^۱

باری مباحث علم اصول‌فقه بسیار گسترده و به اعتباری به پنج دسته کلی تقسیم می‌شوند: نخست مباحث الفاظ است که به تفسیر متن و فهم ساختارهای گوناگون مربوط می‌شود؛ یعنی اصول و قواعد کلی حاکم بر تفسیر متن. بخش دوم به مباحثی

۱. برای نمونه نک: فلسفی، هدایت‌الله، در: مقدمه بر صمدین چاپ مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، نوشته: ناصر کاتوزیان، صص ۶۲-۶۴، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ یک‌صدم، ۱۳۹۴.

می‌پردازد که جنبه عقلی صرف دارد. در بخش سوم، ادله استنباط احکام شرعی مورد بحث قرار می‌گیرد. آن‌ها عبارت‌اند از: قرآن، عقل، سنت و اجماع. به این ادله، ادله اجتهادی یا ادله اولیه هم گفته می‌شود. بخش چهارم اصول فقه به اصول عملی (برائت، استصحاب، احتیاط و تخییر) می‌پردازد. دسته اخیر در واقع ادله ثانویه یا ادله فقاهتی هستند. برای فهم احکام شریعت ابتدا به ادله اولیه یا ادله اجتهادی مراجعه می‌شود؛ در فرض نبود ادله اجتهادی به ادله فقاهتی یا اصول عملی که راهکارهایی عملی برای رفع شک و تردیدند مراجعه می‌شود. در بخش پنجم اصول فقه هم از حکم دو یا چند دلیل متعارض بحث می‌شود. این فصل با عنوان تعادل و ترجیح هم شناخته می‌شود. در مبحث تعادل از حکم دو دلیل برابر که یکی بر دیگری ترجیح ندارد و در عین حال با هم متعارض‌اند بحث می‌شود. اما در فرض ترجیح، از حکم دو دلیل متعارضی که یکی بر دیگری از یک یا چند جهت ترجیح دارد سخن گفته می‌شود و این‌که کدام دلیل باید بر دیگری مقدم شود.

برابر سرفصل‌های مصوب وزارت علوم در اصول فقه یک به مباحث الفاظ و ادله استنباط احکام می‌پردازد و مبحث اصول عملیه و تعارض ادله در اصول فقه دو مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

در مباحث الفاظ عمدتاً تأکید بر دانستن اصول و شیوه‌های تفسیر متن است. مثلاً این‌که معنای ساختار امری چیست؟ آیا امر بر اقسام دالالت دارد یا بر توصیه و پیشنهاد؟ نیز این‌که آیا مفاهیمی که از الفاظ استنباط می‌شوند همانند معنای مطابقی آنها دارای اعتبارند؟ گاه از روش تفسیری ساختارها بحث می‌شود مانند این‌که ساختار امری یا نهی‌ای بر چه چیزی دلالت می‌کند؛ یا مفاهیم و مدلول‌های التزامی تا چه اندازه حجّت و قابل استنادند. در اصول فقه رایج در حوزه‌های علمیه چون اصول فقه همچون ابزار و مقدمه استنباط فقهی است، طبیعی است که بسیاری از مثال‌ها و احیاناً پاره‌ای از مباحث، ناظر به زبان عربی است؛ مانند بحث در باره ترکیباتی که در آن‌ها، ماهیت و طبیعتی به صورت مطلق، نفی شده است.^۲ جدا از این موارد، بسیاری از مباحث اصول فقه ناظر به زبان به معنای عام آن است.

۱. سلیقه‌ها در نوع تقسیم‌بندی مطالب علم اصول فقه البته یکسان نیست. گونه‌های مختلفی از دسته‌بندی مباحث پیشنهاد شده است.

۲. برای نمونه این حدیث معروف پیامبر (ص) که: «فإنه لا ضرر ولا ضرار» یعنی: [در اسلام] هیچ گونه ضرری وجود ندارد. (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، صص ۲۹۲-۲۹۳، اسلامیه، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۷).